



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۱/۱۵

دوکتور محمد عثمان تره کی

ضرورت به حاشیه کشاندن گروه افراطی در رهبری طالبان.

چنان معلوم میشود که طالبان پس از احراز قدرت، به جای کلید حل بحران حاکم در کشور خود به منبع ظهور پروبلم های تازه بدل شده اند. برداشت منحصر به فرد از تعالیم اسلام حاکمیت طالبان را در تقابل با جهان و مهمتر ازان با دنیای اسلام قرار داده است. در تلاطم افکار و حوادث اخیر چنان معلوم میشود که در بطن تحریک طالبان شمار کوچکی از عناصر افراطی وجود دارد که بنام اسلام و در مواردی ضد اسلام فتوا های جنجال برانگیز صادر میکنند. گروه رادیکال بی خبر از واقعیت های دنیای امروز با تعبیر خود ساخته و منحرف از تعالیم اسلام تحریک طالبان را به مثابه لشکر بی بهره از عقلانیت، واقعینی و دشمن تمدن به جهان معرفی کرده راهی است.

چنان به نظر میرسد که گروه افراطی که در رهبری تحریک طالبان دست بالا در حکومتداری دارند، به آسانی زیر بار فشار های داخلی و خارجی به این دلیل ساده که «تجدید نظر در فتوای برخاسته از اسلام سچ در رابطه به تعلیم دختران و کار زنان فرینه شکست در برابر دنیای کفر است»، از مواضع خود عقب نشینی نکنند.

چنین معلوم میشود که طالبان رادیکال، فشار های موجود خارجی را متمم لشکرکشی قبلی قوای خارجی قیاس میکنند. فکر مسلط در حلقه کوچکی از طالبان مخالف تعلیم دختران، کار زنان و تشکیل نظام مبتنی بر قانون اساسی اینست که اگر دیروز قوای مهاجم خارجی به زور اسلحه استقلال و حاکمیت ملی را زیر سوال برده بود، امروز همان هدف را با شیوه های مسالمت آمیز فشار سیاسی، اقتصادی و امنیتی دنبال میکنند. بنابراین تسلیم شدن به فشار خارجی مترادف است به از دست دادن افتخاری که با دادن شکست به امریکا و متحدین نصیب جنگجویان طالب شده است. این طرز تفکر طالبان را معروض به یک جنگ پوچ و بی معنا با دنیا ساخته است.

مشتی از طالبان جا مانده در طلسم غیرت و غرور کاذب در تلاش اند دنیای با عظمت اسلام را در محور برداشت تنگ نظرانه خود از اسلام متقاعد کنند و اسلام نو را که با تجدد و پیشرفت سر ناسازگاری دارد به دنیا معرفی نمایند. واقعیت اینست که تا زمانیکه گروه افراطی موجود در بطن تحریک طالبان از مسند صدور امر و نهی کنار کشیده نشده است، دشمنی مکتب و مدرسه همچنان ادامه خواهد یافت و افغانستان دارای نظام سیاسی مبتنی بر معیار های قبول شده حقوقی نخواهد گردید. پروبلم موجود به جای خود باقی خواهد ماند و توأم با آن درد و رنج مردم استمرار پیدا خواهد کرد.

بنابراین کلید حل معضله را باید در تعاملات درونی تحریک طالبان جستجو کرد، نه در اعمال هرچه بیشتر فشار های بیرونی که طالبان آنرا مداخله خارجی تعبیر میکنند و در برابر آن حساسیت نشان میدهند. از فشار بیرونی بیشتر مردم متضرر میگردند نه حاکمیت غیر مسئول طالبان در برابر مردم. چه باید کرد؟

دو راه حل مطرح شده میتواند:

۱- در چوکات حکومت سرپرست:

حکومت سرپرست با مداخله پاکستان در حالت اضطراری و انتقالی شکل گرفت. پاکستان که همیشه برای پیشبرد مقاصد ژئوپولیتیک از جریانات رادیکال مذهبی در منطقه بر ضد ملی گرایان و منورین سوء استفاده کرده است، به تصور دسترسی به عمق ستراتژیک در افغانستان، مشتی از گروه های افراطی طالبان را در رأس هرم قدرت گماشت. پرسونل دفتر قطر که طبق موافقتنامه با امریکا متعهد به زمینه سازی تشکیل یک حکومت دارای وجاهت ملی و اسلامی بود، کنار زده شد. تصور پاکستان چنین بود که با دور زدن از پروسه دوحه از غنای تجربه جنگی مهندسیین بم های انتحاری حاکمیت آینده افغانستان، در جنگ ملیشیایی کشمیر بهره ببرد.

شکی باقی نمی ماند که شمار کوچکی از رهبران افراطی حکومت سرپرست، مخلوقات تعاملات ژئوپولیتیک در منطقه هستند. به آنها بیش از رسالت دنیوی ماموریت اخروی سپرده شده است. آنها تنها در برابر خداوند (ج) احساس مسئولیت

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

میکنند. نعوذ بالله اتهام بستن درب مکاتب بروی دختران و منع کار زنان را به خداوند نسبت میدهند. درینجا سوال اینکه فتوا های فرقه افراطی طالب با ارشادات دین مقدس اسلام هم آهنگی دارد یا نه مطرح است ؟ به منظور دریافت پاسخ به این سوال تحریک طالبان باید به تبعیت از شیوه معمول در دنیای متمدن، تدویر یک جلسه یا یک کانگرس از سران خود و سائر علمای مذهبی را دایر کنند. در جلسه معضله موجود ناشی از فتوا های ناسازگار با موازین دین و ضابطه های دنیای متمدن در معرض بحث قرار بگیرد. مسئولین صدور فتوا های مغایر دین تشخیص و افشاً شود. در کنار رهبران موجود لیست داوطلبان نو رهبری تحریک طالبان به رایگیری گذاشته شود. به حدس قرین به واقعیت در رایگیری گروه افراطی در اقلیت قرار خواهد گرفت و راه برای انتخاب رهبران جدید تحریک هموار خواهد شد.

طرد گروه افراطی از رهبری حکومت یک ضرورت اشد برای حرکت به جلو است. با حضور حلقه رادیکال در رده های تصمیم گیری محال است افغانستان در آینده مالک یک قانون اساسی ستمدرد شبیه قوانین اساسی سائر کشور های اسلامی شود : مثلن هرگاه شیخ ندیم وزیر تحصیلات عالی در لویه جرگه موسسان بر مبنای تعبیر خاص از اسلام اصرار کند که در قانون اساسی منع تعلیم دختران و کار زنان گنجانیده شود، کیست که در برابر آن جرئت مخالفت داشته باشد و از تاپه ضدیت با اسلام در امان بماند ؟

۲- در چوکات یک حکومت جدید مبتنی بر قانون اساسی:

پس از تصویب قانون اساسی توسط لویه جرگه، بر مبنای حکم قانون اساسی انتخابات برگزار میشود. حکومت جدید ناشی از انتخابات جای حکومت سرپرست را میگیرد. گروه افراطی طالبان در خم و پیچ تعاملات سیاسی و حقوقی ناشی از تدویر لویه جرگه، قانون اساسی و انتخابات به تحلیل میرود و در کوره واقعیت های سرسخت زندگی نو ذوب میشود. حکومت مشروعیت داخلی و شناسایی بین المللی دریافت میکند. افغانستان از انزوای دیپلماتیک بیرون میشود. توسل به راه حل دومی رفع معضله، وخت زیادی را در بر میگیرد. بهتر است توجه عاجل به پیاده کردن راه حل اولی معطوف شود.

طالبان معروض به خشم دنیای اسلام شده اند. این بدترین حالت برای یک جریان مذهبی است که ادعای جهان شمول بودن استنباط خود را از اسلام دارد. باید هرچه زودتر به حساب فرقه رادیکال رسیدگی شود. درین تصفیه حساب میباید به دونه توجیه کرد:

-کشاندن فرقه افراطی به حاشیه وقتی مطرح شود که طرف مخاطب در رابطه به فتوا های صادر شده دین گریز و زن ستیز عقب نشینی نکند.

-سناریوی در حاشیه کشاندن حلقه افراطی باید به احتیاط عملی گردد، تا زمینه ماجراجویی عناصر مرکز گریز و نهایتاً انشعاب تشکیلاتی تحریک طالبان فراهم نشود. افغانستان در حال و احوال موجود به تمرکز قدرت سیاسی ضرورت حیاتی دارد « پایان بر گرفته شده از فیسبوک